

فرهنگ گفتاری در موسیقی ایران (۱)

استان تهران

کیوان پهلوان



انشارات آرون

سرشناسه	: پهلوان، کیوان، ۱۳۳۹.
عنوان و پدیدآور	: استان تهران / تألیف کیوان پهلوان.
مشخصات نشر	: تهران: آروَن، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۰ ص.
فروست	: فرهنگ گفتاری در موسیقی ایران (۱).
شابک	: جلد اول ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۱-۱۹۹-۶
	: شابک دوره ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۱-۱۹۸-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.	
موضوع	: ترانه‌های محلی ایرانی - ضرب‌المثل‌های ایرانی - تهران (استان).
موضوع	: تعزیه - ایران - تهران (استان).
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ الف ۵ پ ۹ / M ۱۸۲۰
رده‌بندی دیویی	: ۷۸۹ / ۵۱.
شماره کتابخانه ملی	: ۳۵۲۵۴۵۷.



نماد آستان تهران

استان تهران

فرهنگ گفتاری در موسیقی ایران (۱)

تألیف: کیوان پهلوان

ناشر: انتشارات آروَن

حروفچینی: نشر آروَن

ویراستار: شیدا حبیبی

چاپ اول: ۱۳۹۳

چاپخانه حیدری: ۲۰۰ نسخه

۲۹۰۰۰ تومان

فهرست

۷۱	شرایط مطلوب عروسی	۱۱	پیش سخن
۷۵	ترانه‌های عروسی	۱۸	خبرده فرهنگ
۸۵	زمستان	۲۷	تهران
۸۵	دماوند	۳۵	دماوند
۸۸	سیزده تیرماه	۳۷	ترانه‌های عامیانه
۸۸	دماوند	۳۹	صفات مشخصه ترانه‌های عامیانه
۹۰	آتش افروزها	۴۲	ترانه‌های عامیانه فارسی
۹۱	حاجی نرروز	۵۷	ترانه اتک متک
۹۸	غول بیابان	۵۷	روستاهای تهران
۹۹	بزرگ شب چهارشنبه سوری	۶۱	ترانه بچه‌های مکتب
۱۰۰	نوروزی	۶۲	ترانه‌های دایه‌ها و مادران
۱۰۰	دماوند	۶۴	ترانه‌های زبان بازکردن کودک
۱۰۳	سیزده بدر	۶۶	کم حوصلگی کودک
۱۰۳	گره زدن سبزه در سیزده بدر	۶۷	عدد آموزی به کودک
۱۰۳	تهران قدیم	۷۱	ترانه‌های عروسی
۱۰۳	کسبه دوره گرد ایام نوروز		
۱۰۴	ممبیلی میشو (مملی مَشو)		

- دماوند ۱۰۴
- ترانه‌ها با مضامین گوناگون ۱۰۶
- کولک اسفند دودکدن ۱۰۷
- دماوند ۱۰۷
- داستان شهربانو ۱۱۰
- خسوف و کسوف ۱۱۱
- درباره لفظ حرخ ۱۱۱
- تصنیف شتر ۱۱۲
- کاشکی می‌مردی انگلیس ۱۱۲
- معرکه‌گیری ۱۱۳
- تعبیر خواب ۱۱۳
- مارگیری ۱۱۵
- افسون مار ۱۱۷
- زام کردن مار ۱۱۸
- تعبیر خواب ۱۱۸
- مرگ و میر نوزادان ۱۲۰
- خرباز و یابو باز ۱۲۱
- دستوراتی در جهت حفظ ۱۲۴
- زن‌های کولی فالگیر ۱۲۵
- قیشرآباد (در تهران قدیم) ۱۲۶
- تظاهرات کیممی‌ها علیه ۱۲۹
- مدارس جدید در تهران قدیم ۱۲۹
- خدازد تو سرش افتاد ۱۳۱
- وسیله حمل جنازه ۱۳۲
- یخنی‌پزی ۱۳۴
- بچه‌ها در نوبت دکان نانوايي ۱۳۴
- بازار خیاط‌ها ۱۳۵
- طبیب‌های فرنگی ۱۳۶
- ترانه «اشرف خرم» ۱۳۷
- سیمای فقر ۱۳۸
- شهر فرنگ ۱۳۹
- ترانه‌های فروشندگان دوره‌گرد ۱۴۰
- ترانه‌های فروشندگان دوره‌گرد ۱۴۰
- ترانه عمه نرگیزی و خاله ۱۴۱
- دماوند ۱۴۱
- سُرخِ مه ۱۴۲
- دماوند ۱۴۲
- علی موجودی ۱۴۲
- تصنیف «برخیز و قلیان را بیار» ۱۴۳
- ماجرای هجوم کلاغ‌ها ۱۴۳
- غزل‌خوان ۱۴۵
- حرمت غزل‌خوان ۱۴۶
- حریف‌اندازی؟ ۱۴۷
- تقریح پسندیده ۱۴۸
- دسته‌های مطرب ۱۴۹
- سخنوری ۱۵۰
- صحنه‌ای از یک سخنوری ۱۵۵
- ورزش زورخانه ۱۶۰
- الف - شاطری ۱۶۵
- ب - عیاری ۱۶۶
- ورزش بعد از اسلام ۱۶۷
- انقسام ورزش ۱۶۷
- ورزش در دوره مغولان ۱۶۸
- ورزش از عصر صفویه ۱۶۹
- ورزش از اوایل دوره قاجار ۱۷۱
- شروع ورزش - سنگ‌گیری ۱۷۱
- تخته ۱۷۴
- میل ۱۷۵
- دعا ۱۷۶
- کباده ۱۷۶
- گلریزان ۱۷۸
- مقام شعر در راستای ۱۸۰
- زنگ زورخانه ۱۸۲

۲۱۹	تحولات موسیقی ایران...	۱۸۳	سیر تکامل ضرب زورخانه
۲۲۲	تغییر مضمون کلام...	۱۸۵	تمبک زورخانه - برخی...
۲۲۶	تغییر در شیوه ارائه موسیقی	۱۸۶	ویژگی های ظاهری و...
۲۲۹	گرایش های تجددطلبانه...	۱۸۶	تکنیک های اجرایی
۲۳۴	سازهای موسیقی دستگاهی	۱۸۶	موارد و نوع استفاده تمبک...
۲۳۴	تار	۱۸۷	جنس و مواد به کار رفته در...
۲۳۸	ویژگی های دیگر تار	۱۸۷	نام ریتم های زورخانه...
۲۳۸	علایم معمول در تار	۱۸۷	ریتم های شمارش رفتن
۲۳۹	تارساز	۱۸۸	ریتم های نرمش
۲۳۹	استاد یحیی	۱۸۸	ریتم های شمارش کردن
۲۴۶	تار در دوره قاجار	۱۸۸	ریتم های دویدن
۲۴۶	ظهور استاد یحیی خان	۱۸۸	ریتم های میل سنگین
۲۴۸	سه تار	۱۸۹	ریتم های میل تند
۲۵۱	بربط	۱۸۹	ریتم های نرمش میل
۲۵۴	ویژگی های دیگر بربط	۱۸۹	ریتم های پا زدن
۲۵۵	سنتور	۱۸۹	ریتم های پا زدن با کلام...
۲۵۸	انواع دیگر سنتور	۱۸۹	ریتم های پای تند
۲۵۹	امکانات اجرایی سنتور	۱۸۹	ریتم های چرخ
۲۵۹	قانون	۱۹۰	ریتم های چرخ چمنی تیز
۲۶۰	پرده گردان بر دو نوع است	۱۹۰	ریتم های چرخ تک پر
۲۶۲	ویژگی های دیگر قانون	۱۹۰	ریتم های چرخ سه پر
۲۶۳	نبی	۱۹۰	ریتم های چرخ ترکیبی...
۲۶۴	انواع نبی	۱۹۰	ریتم های پای آخر
۲۶۵	امکانات اجرایی نبی	۱۹۱	ریتم های کباده
۲۶۵	کمانچه	۱۹۱	ریتم های میل بازی
۲۶۸	ویژگی های دیگر کمانچه	۱۹۲	روحوضی
۲۶۹	کمانچه و تجربه های نوین	۱۹۲	مقدمه
۲۷۰	قیچک	۱۹۳	کنسرت - نمایش
۲۷۲	انواع دیگر قیچک	۲۰۱	روحوضی و برتری مطرب...
۲۷۲	رباب	۲۰۷	نرانه های تخت حوضی...
۲۷۵	ویژگی های دیگر رباب	۲۱۰	ضربی های طنز اجتماعی
۲۷۶	تمبک	۲۱۵	نرانه های شادی بخش سنتی

۳۰۴	سازهای بادی	۲۷۷	ویژگی‌های دیگر تمپک
۳۰۴	سازهای بادی چوبی	۲۷۸	دایره زنگی
۳۰۵	فلوت	۲۷۹	موسیقی و سازهای موسیقی ...
۳۰۵	فلاژتوله	۲۷۹	شکل‌گیری موسیقی نظامی ...
۳۰۵	ابوا	۲۷۹	موسیقی نظامی در دوره ...
۳۰۶	کُرآنگله	۲۸۰	موسیقی نظامی در دوره ...
۳۰۶	باسن	۲۸۳	پیش از دوره ناصری
۳۰۶	کُنتر باسن، یا کُنتر فاگوت	۲۸۶	دوره ناصری
۳۰۶	قَرنی	۲۸۷	بازسازی و توسعه موسیقی ...
۳۰۷	کلارینت باس	۲۹۰	تأثیر فرهنگ موسیقی غربی ...
۳۰۷	کلارینت آلتو	۲۹۱	بهره‌گیری از دسته‌های ...
۳۰۷	کلارینت کورچک	۲۹۱	مجالس رسمی و غیررسمی ...
۳۰۷	سازهای بادی فلزی	۲۹۳	مجالس جشن و عروسی ...
۳۰۷	ساکسوفون	۲۹۲	مجالس تعزیه‌خوانی
۳۰۸	کُر	۲۹۵	میدان‌های شهر
۳۰۸	کر پیستون‌دار	۲۹۶	نمایش‌ها
۳۰۹	ترمبون	۲۹۶	تأثیر استادان موزیک ...
۳۰۹	ترومپت	۲۹۸	موسیقی نظام ...
۳۱۰	اوفیک‌لید	۲۹۹	سازهای موسیقی نظامی
۳۱۰	بوگل	۳۰۰	سازهای سنتی ایران
۳۱۰	ساکس هورن	۳۰۰	سازهای بادی
۳۱۱	سازهای کوبه‌ای	۳۰۰	سُرنا
۳۱۱	سازهای با پوست	۳۰۰	کُرنا
۳۱۱	تنبال	۳۰۱	نقیر
۳۱۲	طبل بزرگ	۳۰۱	بالابان
۳۱۲	طبل کوچک	۳۰۱	فی
۳۱۲	سازهای بی‌پوست	۳۰۲	سازهای کوبه‌ای
۳۱۲	سیمبال (سنج)	۳۰۲	نقاره
۳۱۳	تری آنگل یا تریانگل	۳۰۲	گورگه
۳۱۴	آهنگسازی در موسیقی ایران	۳۰۳	طبل
۳۱۴	پیدایش	۳۰۳	دهل
۳۱۶	تک‌صدایی یا چند صدایی	۳۰۴	سینج
۳۱۹	گروه‌نوازی	۳۰۴	سازهای فرنگی

صلوات خوانی ۴۱۵	ربع پرده‌های مزاحم یا مزاحم ۳۲۰
حیدر مدد (دماوند) ۴۱۵	با کلام یا بی کلام ۳۲۲
سقاخانه‌ها ۴۱۶	وضعیت کنونی و چالش‌ها ۳۲۳
اعمال شب بیست و هفتم ۴۱۷	ترکیبات صوتی موسیقی ما ۳۲۶
آداب روشن کردن چراغ ۴۱۷	نگاهی به آواز مخصوص ۳۳۵
عزاداری محرم در تهران قدیم ۴۱۸	آواز خراباتی در تهران قدیم ۳۳۵
پیرایش عزاخانه‌ها ۴۲۰	جای خالی بحر طویل ۳۳۷
احوال مردم در ماه‌های ۴۲۲	
عزاداری - دسته - سینه زنی ۴۲۳	نمایش‌ها ۳۳۹
روضه مولودی ۴۲۴	نمایش‌های زنانه در تهران ۳۳۹
روضه خوانی و رابطه آن ۴۲۵	
نوحه ۴۳۰	افسانه‌ها و مثل‌ها ۳۴۲
امشب شب قتل حسین ۴۳۲	ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات ۳۷۵
عباس، شیربیشه شجاعت ۴۳۲	ضرب‌المثل‌ها ۳۸۳
سقای دشت کربلا، ابوالفضل ۴۳۳	دماوند ۳۸۳
مروری بر گونه‌های ۴۳۵	چیستان، لغز و معما ۳۹۴
مناجات خوانی دوره رادیو ۴۳۶	ترانه‌های بازی و سرگرمی ۴۰۳
مناجات خوانی دوره انقلاب ۴۳۸	۱. نقش کلام آهنگین در بازی ۴۰۳
مناجات خوانی دوره معاصر ۴۳۸	۲. سازمان بازی و ترانه‌های آن ۴۰۴
تعزیه ۴۴۰	۳. سرگرمی‌های اوقات فراغت ۴۰۵
تعزیه و تعزیه خوانی ۴۴۶	۴. چیستان‌ها و معماها ۴۰۸
تکیه دولت ۴۴۶	بازی‌ها ۴۰۹
تعزیه‌های سیار با دسته‌ی ۴۵۰	
تعزیه‌های قهوه‌خانه‌ای ۴۵۱	تعزیه و مراسم مذهبی ۴۱۵
تعزیه‌های دورکوجه‌ها ۴۵۲	
تعزیه خوانان معروف تکیه ۴۵۲	
منابع و مآخذ ۴۷۳	

پیش سخن

فرهنگ، واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ». «فر» پیشوند و به معنی جلو، بالا، برو، پیش آمده و «هنگ» از ریشه اوستایی «تنگا» (tanga) به معنی کشیدن و سنگینی و وزن است. این واژه مرکب که از نظر لغوی به معنی بالا کشیدن، برکشیدن و بیرون کشیدن است، هیچ‌گاه در ادبیات فارسی به مفهومی که برخاسته از ریشه کلمه باشد نیامده است. این نکته را باید گفت که در مردم‌شناسی، ریشه‌یابی واژگان و معنای لغوی کلمات در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه مفهوم و استنباطی که مردم از یک واژه دارند مطالعه می‌گردد. واژه کولتور (در زبان فرانسوی) و کالچر (در زبان انگلیسی) به اصطلاح «فرهنگ» به مفهومی که در انسان‌شناسی به کار می‌رود، معادل است. کولتور از نظر ریشه لغوی به معنی کشت و زرع است و امروز نیز مشتقاتی از این کلمه به معنی کشت و زرع به کار می‌رود و در ادبیات فرانسه معنی این کلمه از پرورش گیاهان به پرورش حیوانات و بالاخره پرورش انسان تعمیم یافت.

در زبان فارسی نیز فرهنگ دستخوش تحولاتی شده است. ولی در فارسی برخلاف لاتین این اصطلاح بار معنوی داشته است. اگر در لاتین واژه فرهنگ از پروراندن آمده است و کاربرد آن در زراعت و کشت بوده است، در فارسی از دیرباز در معنای ادب، عقل و آداب و چیزهای بسیاری از این دست به کار رفته است. برخی از پژوهشگران فکر می‌کنند هر بار که ما به علوم جدید اجتماعی روی می‌آوریم باید بکوشیم فقط با مفاهیم اروپاییان کار کنیم یا آن مفاهیم را به فارسی امروز منتقل کنیم. به هر حال برای فرهنگ و تمدن ما در فارسی از دیرباز معناها و کاربردهایی داشته‌ایم که در برخی موارد حتی با دریافت‌های امروزی علوم

اجتماعی جدید هماهنگی دارد. جنبه معنوی فرهنگ که در اروپا در دوره‌ای اهمیت داشته است با کاربرد فرهنگ در بُعد معنوی در زبان فارسی همخوانی دارد.

تمدن همان‌گونه که در لاتین در اصل بار شهرنشینی داشته است، در فارسی نیز با همین معنا رواج یافته و سپس از گسترش معنایی برخوردار شده است. پس اگر امروز در فرهنگ معنای متفاوتی یافته است به سبب ضعف یا قوت این یا آن زبان نیست. متفکرانی با به میدان می‌گذارند و معناهای تازه‌ای با خود به همراه می‌آورند. ما هم که امروز همه چیز و همه ارزش‌های خود را در اینجا و آنجا، پراکنده و انفرادی، برمی‌رسیم، هرگاه به تفکری اصیل در این زمینه دست پیدا کنیم توان آن نیز می‌یابیم که معناهای تازه‌ای را برای واژه‌های پیشین برگزینیم.

این اصطلاح در اوایل قرن نوزدهم به وسیله انسان‌شناسان مفهوم دیگری یافت که در این مقوله موضوع سخن ماست.

تعاریف فرهنگ ظاهراً به دو بست، سیصد و حتی بیشتر می‌رسد که ما تنها نمونه‌هایی از این تعاریف را می‌آوریم. تایلر در سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» فرهنگ را جنس تعریف کرده است: فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را برعهده دارد.^۱

فریدریش تیلور می‌گوید: به معنی وسیع کلمه هر آنچه انسان می‌کند و هر آنچه عمل او به بار می‌آورد، در حوزه فرهنگ قرار می‌گیرد. به نظر او اندیشه، جوهر فرهنگ است زیرا که کلید تفسیر واقعیت را به دست می‌دهد. او سپس اضافه می‌کند به همان میزان که فرهنگ بنیادهای اجتماعی دارد، اجتماع هم بنیادهای فرهنگی دارد.

یاکوب بورکه‌هارت می‌گوید: سه قدرت بزرگی که واقعیت هستی بشر و روند تاریخ را تعیین کرده‌اند، عبارتند از: دین، دولت و فرهنگ.^۲

براساس تعریفی دیگر فرهنگ شامل تمامی عادات یک جامعه است. یا اگر جامعه را مجموعه افرادی سازمان‌یافته بدانیم که شیوه زندگی خاصی دارند در این صورت فرهنگ یعنی همین شیوه زندگی.

«تسودی باربو» در کتاب خود با نام «جامعه»، فرهنگ و شخصیت می‌نویسد، بیشتر

۱. روح‌الامیتی، محمود: زمینه فرهنگ‌شناسی، انتشارات عطار، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، ص ۱۷.

۲. پهلوان، چنگیز: فرهنگ‌شناسی، نشر قطره، چاپ دوم، ۱۳۸۲، صص ۱۲-۱۳.

تعریف‌های فرهنگ بر دو نکته تأکید می‌گذارند: نخست به عناصر فرهنگ، چه به صورت عادات اجتماعی جلوه‌گر شوند و چه به صورت روش زندگی یک جامعه تظاهر بیابند؛ دوم اثر انگیزاننده و هنجاری این عناصر بر رفتار فرد. به بیان دیگر کارکرد ویژه فرهنگ، آفرینش و نگاهداری تداوم و همبستگی میان افراد یک جامعه معین است. اصطلاحاتی چون باورهای مشترک، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، معیارها و هم‌چنین الگوهای رفتار اغلب در همین چارچوب به کار می‌روند. اما این بدان معنی نیست که هریک از اعضای جامعه نمی‌توانند و نباید عادات شخصی، باورها و اندیشه‌هایشان را متحول کنند. بلکه بدین معناست که اصطلاح فرهنگ معرف حاصلت مشترک چنین پدیده‌هایی است، یعنی عادات، باورها و اندیشه‌ها که خود مروج وفاق میان هدف‌ها و انسجام عمل در جامعه‌ای خاص هستند.^۱

در دوران معاصر پیش از هر جای دیگر، مفهوم فرهنگ در ایالات متحده آمریکا رواج یافت. رشته انسان‌شناسی در آمریکا رونقی چشمگیر یافت و با خود توجه فزاینده به فرهنگ را همراه آورد. ترکیب جمعیت مهاجری که آمریکا را برپا ساخت، می‌بایست از پیشداوری‌های نژادی و برتری‌جویی دوری گزیند تا بتواند اسباب همزیستی مسالمت‌آمیزی را تدارک ببیند. گرچه در عمل اندیشه‌های نژادپرستانه در آمریکا از میان نرفت و از خشونت، به‌خصوص با سیاهان، نکاست با این حال باید به یاد داشت که اندیشه‌های انسان‌دوستانه در این سرزمین رنگارنگ به حدی بود که بتواند تضمینی برای بقای آن به دست بدهد.

چنین تمایلاتی اگر در نظام علمی یک کشور ریشه بدواند، یارای آن می‌یابد که تجلی مستمر و پایداری داشته باشد و محدود به گروه‌های انگشت‌شمار نشود. در آمریکای شمالی به واقع چنین شد. رشته انسان‌شناسی به حدی به مفهوم و موضوع فرهنگ دلیستگی نشان می‌داد که سرانجام دشوار می‌توان دو عنوان «انسان‌شناسی آمریکایی» و «انسان‌شناسی فرهنگی» را از هم متمایز ساخت. این دو چنان با هم عجین شده‌اند که در عرف دانشگاهی نیز وقتی سخن از انسان‌شناسی فرهنگی می‌رود، نام مکتب‌ها و اندیشگاران آمریکایی تداعی می‌شود. انسان‌شناسی فرهنگی در آمریکا به موفقیت‌هایی دست یافت که بر رشته‌های مجاور چون روانشناسی و جامعه‌شناسی نیز اثر گذاشت.

در آمریکا مفهوم شهروندی با مهاجرت پیوند خورده است. هر آمریکایی یا مهاجر است یا مهاجرزاده. عنصر ملی در آمریکا در اساس بر اثر ادغام گروه‌های مختلف قومی تحول یافته است. قوام یافتن عنصر ملی در ضمن نمی‌بایست به حذف حضور و تداوم

جماعت‌های قومی بینجامد. تعلق به جامعه ملی در آمریکا، به همین سبب، توأم شده است با عضویت در یک جماعت. از این‌روست که یک آمریکایی را اغلب به صورت ایتالیایی - آمریکایی، لهستانی - آمریکایی، یهودی - آمریکایی یا جز آن می‌بینیم.

دومینیک اشناپر (Dominique Schnapper) در نوشته‌ای به نام «سانترالیسم و فدرالیسم فرهنگی» از این پدیده به عنوان «فدرالیسم فرهنگی» یاد می‌کند که فرهنگ آغازین مهاجران را نوعی تداوم می‌بخشد، بی آنکه مانع دگرسانی یا تغییر بشود. البته در اینجا باید در نظر داشت که این استنباط از فرهنگ آمریکایی، هرچند جلوه‌هایی از واقعیت را دربرمی‌گیرد، فاقد جامعیت لازم است. در آمریکا دو گروه دیگر داریم که در این مجموعه نمی‌گنجد: سرخ‌پوستان و سیاهان. به یاد بیاوریم که سرخ‌پوستان، مهاجر نبوده‌اند.

آمریکا سرزمین اجدادی‌شان به شمار می‌رود و بر اثر مهاجرت گسترده، موجودیت و هویتشان به مخاطره افتاد. سیاهان به ناچار و به اجبار به آمریکا آمدند و تا مدت‌ها حتی به‌طور صوری از حقوق برابر برخوردار نگشتند. بردگی و اسارت جزئی از سرنوشت سیاهان بود. بنابراین در مورد فرهنگ ملی آمریکا و امکان تداوم فرهنگ قومی در این کشور باید با احتیاط سخن گفت و نکوشید موارد مشخص را به سراسر تاریخ کوتاه این کشور تعمیم داد. سرخ‌پوستان تقریباً به نابودی کشیده شدند و سیاهان تنها به سبب تعداد زیادشان توانستند تاب بیاورند و امروز در عرصه‌های مختلف، حضور ملموس خود را به نمایش درآورند.

وضعیت خاص آمریکا موجب شد که پژوهش‌های جامعه‌شناختی در این کشور به پدیده مهاجرت و روابط میان قومی توجهی خاص مبذول دارند. رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه شیکاگو که نخستین مرکز آموزش و ترویج جامعه‌شناسی در ایالات متحده آمریکا بوده است، توجه خود را معطوف ساخت به موضوع بیگانگان در شهر و از این راه افق تازه‌ای در برابر مطالعات مربوط به جامعه‌های مدرن گشود. برای نمونه در فرانسه چنین مطالعاتی تا دهه هفتاد میلادی پا نگرفت و شناسایی لازم را کسب نکرد.

فرانسه موقعیتی متفاوت از آمریکا داشت. جامعه فرانسوی بر اثر مهاجرت ترکیب نشده بود. فرانسه توانسته بود جامعه ملی واحدی برپا سازد و الگوی تمدن فرانسوی را الگویی جهانگیر ببیند. به همین سبب توجه به تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی در زمینه علوم اجتماعی در فرانسه تا مدت‌ها به اندازه کافی بازتاب نیافت. به عکس در آمریکا، به دلایلی که آمد، پژوهش منظم راجع به تفاوت‌های فرهنگی و تماس میان فرهنگ‌ها ترغیب و تشویق می‌شد. البته این امر موجب گشت که گاه پژوهش‌های اجتماعی را در آمریکا با نگاهی منفی، «فرهنگ‌باور»، «فرهنگ‌گرا» یا «فرهنگ‌مدار» (culturalism) بنامند.